

حمام و کارکردهای اجتماعی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران

امامعلی شعبانی*

سعیده جباره**

چکیده

حمام، برخلاف تصور رایج، صرفاً مکانی برای نظافت و تطهیر نبوده و با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خود، دارای کارکردهای اجتماعی و حتی سیاسی در تمام تاریخ ایران بوده است. این کارکردها بیانگر این واقعیت است که حمام به عنوان یکی از عوامل اثرگذار در تاریخ تحولات اجتماعی ایران، به‌ویژه در سده‌های میانه اسلامی، نقش و جایگاه مؤثری داشته است. حال، نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع معتبر، در پی پاسخ به این پرسش اساسی بوده است که حمام در قرون میانه تاریخ ایران چه کارکردهای اجتماعی داشته است. یافته‌های پژوهش نیز حکایت از آن دارد که حمام در این دوره، با توجه به موقعیت ممتاز جغرافیایی در بافت شهرها و روستاها و در نتیجه به عنوان کانون تجمع مردم، یکی از مراکز اصلی تعاملات اجتماعی در ابعاد و زمینه‌های اطلاع‌رسانی عمومی، وسیله سرشماری عمومی، محل مناظرات و مباحثات فعالیت درمانی و حتی معیار سنجش تشخیص اجتماعی بود.

کلیدواژه‌ها: حمام، تعاملات اجتماعی، درمان، تعلیم و تربیت، اطلاع‌رسانی، بهداشت عمومی، نظافت شخصی.

۱. مقدمه

بهره‌برداری ایرانیان از حمام و گرمابه به دوره باستانی بازمی‌گردد. با ورود اسلام به ایران

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه اراک (نویسنده مسئول) shabani.2009@gmail.com

** کارشناس ارشد تاریخ، دانشگاه اراک saeedeh.jabareh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱

و تأکید این دین بر نظافت و پاکیزگی، بر اهمیت و جایگاه آن بیش از پیش افزوده شد. لذا، بی‌علت نیست که بخشی از اشعار شاعران و نویسندگان ایرانی به حمام یا گرمابه اختصاص یافته است.^۱ لیکن، برخلاف تصور رایج، این جلوه‌گاه معماری ایرانی - اسلامی صرفاً مکانی برای نظافت و تطهیر نبوده و با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خود، دارای کارکردهای متعدّد و در عین حال متنوّع اجتماعی و حتی سیاسی بوده است. موقعیت جغرافیایی حمام و قرارگرفتن آن در مرکز شهرها و روستاها و در کنار نهادها و مؤسسات اثرگذار شهری از جمله بازار، مسجد و دارالاماره موجب می‌گردید تا همواره به عنوان یکی از کانون‌های مهم تجمع در طول تاریخ ایران مطرح باشد. این امر خود موجب می‌گردید تا علاوه بر نقش و کارکرد اولیه خود یعنی پاکیزگی و نظافت، در نقش‌های اجتماعی و حتی سیاسی نیز خودنمایی کند. در این میان، نیازهای اجتماعی روز موجب می‌گردید تا حمام همواره به عنوان یک ابزار مؤثر در وقوع رویدادهای اجتماعی و توسط بازیگران این عرصه، مورد توجه قرار گیرد. حال، پرسش اساسی این‌جاست که حمام در سده‌های میانه تاریخ ایران چه کارکردهای اجتماعی داشته‌است؛ و یا اساساً، حمام با تحولات اجتماعی این دوره چه پیوندی دارد؟ پاسخ اولیه نیز بر آن است که تحولات اجتماعی و حمام در سده‌های میانه تاریخ ایران در یک ارتباط و تعامل تنگاتنگ و تأثیرگذار قرار داشته و فهم و رمزگشایی از تاریخ تحولات این دوره منوط به بررسی نوع پیوند آن دو است.

در اهمیت و ضرورت پژوهش نیز بایستی گفت تاریخ تحولات اجتماعی - سیاسی ایران سده‌های میانه اسلامی بیانگر این واقعیت است که حمام در کنار جلوه‌گاه‌های دیگر معماری ایرانی - اسلامی، همواره، به عنوان یکی از ساخت‌های اثرگذار در تاریخ تحولات این دوره ظاهر شده است.^۲ لذا، مطالعه و بررسی پیرامون نقش و جایگاه اجتماعی آن می‌تواند ما را به ابعاد و زوایای جدیدی از تاریخ تحولات این دوره آشنا ساخته و از همه مهم‌تر، به علت فقدان پژوهش در این حوزه - به‌رغم اهمیت و ضرورت - به عنوان نمونه و الگویی جهت بررسی کارکردهای حمام در دیگر دوره‌های تاریخ ایران و اسلام مورد بهره‌برداری قرار گیرد. به لحاظ پیشینه پژوهش نیز شایان ذکر است که پژوهش‌های موجود در خصوص حمام صرفاً در حد کلیات بوده و یا با رویکرد مردم‌شناختی و آن هم با تأکید بر تاریخ معاصر ایران انجام شده است (← فهرست منابع)؛ لذا، هیچ‌گونه پژوهش علمی با رویکرد تاریخی و با تأکید بر قرون میانه تاریخ ایران در دست نیست که خود از خلأ

پژوهش در این حوزه حکایت دارد. تحقیق حاضر به لحاظ روشی نیز توصیفی - تحلیلی بوده و استفاده از منابع کهن را در دستور کار خود قرار داده است.^۳

۲. حمام در سده‌های میانه تاریخ ایران

حمام یا گرمابه از بناهای غیرمذهبی کهن و استواری است که با توجه به اهمیت و جایگاه آیین شست‌وشو، غسل و تطهیر در پاکی جسم و روان، یکی از مهم‌ترین جلوه‌گاه‌های معماری ایرانی بوده و خود سابقه‌ای چندهزارساله دارد. لذا، بی‌علت نیست که همواره یکی از ارکان مؤثر بافت شهری و روستایی و به عنوان یکی از مهم‌ترین بناهای شهری محسوب می‌شده است.^۴ در این میان، قرارگرفتن حمام‌ها در گذرگاه‌های عمومی، راسته بازارها، کاروانسراها و نزدیکی مساجد موقعیت ممتازی بدان می‌بخشید که این امر خود بر کارکردهای آن در تحولات اجتماعی روز می‌افزود (← قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۰؛ کیانی، ۱۳۷۹: ۲۴۳-۲۵۰؛ مزداپور، ۱۳۷۵: ۲۰۷-۲۰۸).

بنابه گزارش منابع تاریخی، از همان آغاز گسترش اسلام در ایران و در شهرها و روستاها - به‌رغم پاره‌ای مخالفت‌های شرعی - گرمابه‌های متعددی احداث شد که مورد استقبال عموم قرار گرفت. البته، تبخر و مهارت ممتاز ایرانیان در جهان اسلام و در زمینه ساخت حمام نیز در این امر بی‌تأثیر نبود. کاوش‌های باستان‌شناسی - در کنار روایت‌های تاریخی - امروزه بر این امر صحه می‌گذارد (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۴۵-۲۴۸). در این میان، سده‌های میانه تاریخ ایران و با توجه به شرایط سیاسی، رونق اقتصادی و گاه به علت رقابت‌های سیاسی، یک دوره ممتاز در احداث حمام شمرده می‌شود. منابع تاریخی از وجود بیش از صدها حمام عمومی^۵ (به‌جز هزاران حمام خصوصی کاخ‌ها و سراهای پادشاهان و اعیان) در برخی از شهرها گزارش داده‌اند که البته بر سر جذب مشتری رقابت شدیدی با یکدیگر داشتند (← صابی، ۱۳۴۶: ۱۵؛ ثعالبی، ۱۳۷۶: ۱۶۹؛ مظاهری، ۱۳۴۸: ۲۵۸). (Floor, 1988: 863-865).

اهمیت و جایگاه حمام در تاریخ ایران این مقطع به گونه‌ای است که نه‌تنها تدوین کتبی با عنوان *دحول‌الحمام* را شاهد هستیم (سمعانی، ۱۳۸۲: ۱/۲۵)، بلکه بخشی از دستورالعمل‌های شهرداری و نیز کتب اندیشه‌ای به موضوع «حمام» اختصاص یافته است؛ به عنوان مثال، ابن‌اخوه به تفصیل از وظایف گرمابه‌دار، نظارت و بازرسی دقیق و مداوم محتسب بر گرمابه‌ها،^۶ ممنوعیت نقش و نگار بر حمام‌ها و... خبر می‌دهد (ابن‌اخوه،

۱۳۶۵: ۱۶۰-۱۶۳) و یا عنصرالمعالی در باب شانزدهم کتاب خود که به «اندر آیین گرمابه رفتن» اختصاص داده، از آداب و شرایط گرمابه رفتن به تفصیل سخن رانده است (عنصرالمعالی، ۱۳۸۳: ۸۸)؛ همچنین، یاقوت حموی از وجود آیین‌نامه‌هایی برای گرمابه‌ها و منع ورود بیماران بدان‌جا گزارش می‌دهد (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۱/۲۳۳).

حمام‌ها به لحاظ معماری و طراحی نیز معمولاً شامل خلوت، شاه‌نشین، صحن، دستشویی، خزینه، تون یا گرمخانه بوده و هریک از این فضاها به وسیله راهرو و هشتی از یکدیگر جدا می‌شد تا دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم شود. معمولاً، کف حمام‌ها از سنگ مرمر و دیگر سنگ‌ها پوشیده می‌شد و استفاده از کاشی با نقش و نگارها - معمولاً از مضامین شاهنامه - و نوشته‌هایی نیز به عنوان تزئینات مورد استفاده بوده است (Floor, 1988: 864-865).

۳. کارکرد اجتماعی

حمام‌ها، علاوه بر ارزش معماری، از دیدگاه اجتماعی نیز در طول تاریخ ایران سده‌های میانه اسلامی حایز اهمیت بسیار بوده^۷ و نقش مهمی در حیات اجتماعی روز داشت. آیین‌ها و سنت‌های بسیاری در ارتباط با حمام، از روزگاران گذشته تا کنون، پدیدار شده است که می‌توان آن را نوعی فرهنگ عامه دانست. لذا، بایستی معترف بود که کارکرد اجتماعی حمام در درجه نخست و پیش‌تر از هر کارکرد دیگری خودنمایی می‌کند. این مسئله بی‌تردید به موقعیت ممتاز آن در بافت اجتماعی شهرها و در نتیجه پیوند تنگاتنگ با جامعه پویای سده‌های میانه اسلامی ایران بازمی‌گردد. در ادامه مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی حمام در جامعه ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۳ محل اطلاع‌رسانی عمومی

حمام‌ها، با توجه به تلاقی بخش زیادی از مردم از صنف‌ها و قشرهای مختلف در طول روز، همواره، در کنار کانون‌های خبری دیگری چون مسجد، بازار و آسیاب، محل اطلاع‌رسانی و ردوبدل کردن آخرین اخبار و شایعات بوده است. افراد اخبار و اطلاعات دست اول را در حمام دریافت می‌کردند و در بیرون از حمام در اختیار مردمی قرار می‌دادند که از اتفاقات و مسائل روز بی‌خبر بودند؛ یعنی، در حقیقت، بایستی معترف بود که حمام‌ها

در گذشته، نقش رسانه‌های عمومی امروزی از جمله روزنامه و رادیو و تلویزیون را ایفا می‌کردند و آخرین اخبار بدین وسیله نشر می‌یافت (Floor, 1988: 864؛ سجادی، ۱۳۸۲: ۹)؛ به عنوان مثال، خیر بخشیدن صلۀ سلطان محمود به حمامی و فقاعی توسط فردوسی و در حقیقت رد کردن بذل و بخشش سلطان غزنوی، از همین رسانه به همه‌جا رسید، چنان که نظامی عروضی بدان اشاره دارد:

چون فردوسی شاهنامه تمام کرد... محمود با آن جماعت تدبیر کرد که فردوسی را چه دهیم؟ گفتند پنجاه هزار درهم و این خود بسیار باشد که او مردی رافضی است... در جمله بیست هزار درهم به فردوسی رسید؛ به غایت رنجور شد و به گرمابه رفت و... آن سیم بین حمامی و فقاعی قسم فرمود (نظامی عروضی، ۱۳۸۰: ۴۷-۵۱).

حمام، در همین راستا، البته، گاهی به عنوان محلی برای ابراز نیش و کنایه‌های سیاسی علیه حکومت‌ها و تنویر افکار عمومی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است، چنان‌که بدایع‌الملح به نمونه‌ای نه‌چندان اخلاقی از طعنه‌حاضران در حمام و مقایسه‌برهنگان آن‌جا با خلفا اشاره دارد که البته خود از روح زمانه و بی‌نیش حاکم در اجتماع خبر دارد (طرائفی خوارزمی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

حمام، چنان‌که اشاره گردید، مکان مناسبی برای اطلاع‌رسانی عمومی بود. بازرگانی که از سرزمین دیگر وارد شهر می‌شد، برای رفع خستگی و از همه مهم‌تر برای آگاهی از اوضاع و احوال شهر نخست به حمام می‌رفت^۹ و بدین طریق می‌توانست به آخرین اخبار و تحولات شهر دست‌یابد^۹ (← رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۰۶)؛ همچنین، به واسطه حمام و کارکرد اجتماعی آن، زنان از دختران دم‌بخت و نیز ازدواج مجدد مردان و مسائلی از این قبیل اطلاع می‌یافتند؛ شناخت انواع بیماری‌ها و نوع درمان را از طریق گفت‌وگوی بین افراد نیز می‌توان از دیگر دستاوردهای اجتماعی حمام و در بُعد اطلاع‌رسانی عمومی دانست (راوندی، ۱۳۷۸: ۵/۴۹۵).

۲.۳ محل ملاقات عمومی و مذاکرات خصوصی

حمام‌ها در کارکرد اجتماعی دیگر - با توجه به حضور نسبتاً طولانی مدت مردم در آن - محلی برای ملاقات عمومی و نیز مذاکرات خصوصی آنان بوده است. حمام عمومی مکانی برای آشنایی‌ها، دیدوبازدیدها بود و اساساً چه بسیار بحث‌ها و قهر و آشتی‌ها که در حمام صورت می‌پذیرفت (روح‌الأمینی، ۱۳۸۶: ۱۳). اگرچه منابع تاریخی سده‌های میانه

غالباً داده‌های چندانی به ما ارائه نمی‌دهند، نوشته‌های قرون بعدی نشان می‌دهد که طرح مسائل و مشکلات خانوادگی با گیس سفیدان و سالخورده‌گان و در نتیجه کسب راهنمایی و راه‌حل از آنان، گفت‌وگوهای دوستانه پیرامون ازدواج فرزندان و در نهایت طرح موضوع خواستگاری (با توجه به رواج روش سنتی ازدواج مبنی بر مقدمه‌چینی و انتخاب عروس توسط مادر داماد) و طرح دعاوی خانوادگی و در حقیقت ایفای نقش محاکم و دادگاه‌های حل اختلاف امروزی، در حمام صورت می‌پذیرفت (← دروویل، ۱۳۷۰: ۶۵؛ راوندی، ۱۳۷۸: ۵ / ۴۹۴-۴۹۶).

همچنین، حمام یکی از کانون‌های اصلی تعاملات اجتماعی و ایجاد دوستی و هم‌نشینی بین مردم بوده است. در این خصوص، می‌توان به شعر مشهور سعدی با مطلع «گلی خوشبوی در حمام روزی / رسید از دست محبوبی به دستم» اشاره کرد که خود از معاشرت و هم‌نشینی و ایجاد دوستی با دیگران در حمام و نیز تأثیرات مثبت این هم‌نشینی حکایت دارد (← سعدی، ۱۳۹۱: ۱۶). البته، ظاهراً این هم‌نشینی‌ها به‌ویژه در صنف نسوان^{۱۰} و در بُعد منفی خود، محلی برای خودنمایی، فخرفروشی، بهتان و تهمت نسبت به دیگران و نیز محل مشاجره و دعوا بوده است.^{۱۱} شاید، به همین علت است که ابن‌اخوه در اوایل قرن هشتم هجری رفتن زنان را به حمام عمل مکروهی شمرده و حتی پرداخت هزینه حمام را توسط همسر او به علت کمک به عملی مکروه، مکروه شمرده است^{۱۲} (← ابن‌اخوه، ۱۳۶۵: ۱۶۱) و یا باخرزی به فردی اشاره دارد که به دیگری نامه نوشت و از او درباره خطایی که از او در حمام سرزد، تقاضای صلح کرد (باخرزی، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۶۲).

علاوه بر کارکردهای عمومی حمام در این خصوص، گاهی ملاقات‌ها و مذاکرات سران حکومتی در حمام صورت می‌پذیرفته است، چنان‌که عظاملک جوینی از ملاقات مجدالملک با ایلخان آباقا (۶۶۳-۶۸۰ق) در مسلخ^{۱۳} حمام به هنگام اقامت او در شرویز^{۱۴} (۶۷۸ق) و ارائه گزارش‌های مهم حکومتی خبر می‌دهد (جوینی، ۱۳۸۵: ۱ / ۵۶).

۳.۳ کارکرد علمی - فرهنگی

کارکرد علمی - فرهنگی نوع دیگری از کارکردهای اجتماعی حمام را در سده‌های میانه اسلامی تاریخ ایران به نمایش می‌گذارد؛ یعنی، در حقیقت، حمام در تحول فکری جامعه به عنوان یکی از کانون‌های علمی عمل می‌کرد.^{۱۵} در درجه نخست بایستی به استفاده از این مکان به عنوان محل ملاقات بزرگان و فرهیختگان و در نتیجه مباحثات و مناظرات علمی

اشاره کرد. این مناظرات که میان دو ادیب، دو شیخ و گاهی میان دو عارف صورت می‌پذیرفت، غالباً با استقبال عمومی مواجه می‌شد و مردم عادی از سر کنجکاوی و یا در راستای کسب اطلاعات سودمند، در آن شرکت می‌جستند. البته، این مناظرات - کنار فواید و نتایج سودمند خود - ظاهراً گاهی باعث ناراحتی و مشاجره بین طرفین نیز می‌گردید، چنان‌که در یک نمونه برجسته می‌توان به مناظره و بحث و گفت‌وگوی بین سعدی شیرازی و خواجه همام در حمامی در تبریز اشاره کرد. *چهارمقاله* تصویر گویایی از این مباحثه با مدخلی ناخوشایند برای ما به یادگار نهاده است:

روزی شیخ سعدی در تبریز به حمام درآمد. خواجه همام نیز با عظمت تمام، در حمام بود. شیخ طاسی آب آورد و بر سر خواجه همام ریخت. خواجه همام پرسید که این درویش از کجاست؟ شیخ گفت: از خاک پاک شیراز. خواجه همام گفت: عجب حالی است که شیرازی در شهر ما از سگ بیشتر است. شیخ تبسمی کرد و گفت: که در این صورت، خلاف شهر ماست که تبریزی در شهر شیراز، از سگ کمتر است (نظامی عروضی، ۱۳۸۰: ۲۰۳).

البته، نظامی عروضی در ادامه حکایت خود به عذرخواهی خواجه همام از سعدی پس از اطلاع از هویت او خبر می‌دهد که خود مقدمه دوستی بین آنان گردید (همان: ۲۰۴). حمام محل تذکر و اندرز نیز بود، زیرا به حمام عمومی رفتن عارفان و عالمان که معمولاً به درازا می‌کشید، فرصتی برای پرسش و پاسخ سالکان و علاقه‌مندان به بحث و اشارات عرفانی و حکمت‌آمیز بود؛ به عنوان مثال، محمدبن‌منور، مؤلف *اسرارالتوحید*، به چند مورد از حمام‌رفتن شیخ ابوسعید ابی‌الخیر و مباحثاتی که با عالمان و مردم عادی پیرامون موضوعات اخلاقی و عرفانی داشته، اشاره کرده که خود بر کارکرد علمی حمام در این دوره تأکید دارد (محمدبن‌منور، ۱۳۸۱: ۲۲۵).

سرودن و قرائت شعر در حمام، نوع دیگری از کارکرد علمی - فرهنگی حمام در طول تاریخ ایران را نشان می‌دهد. اگرچه شاعران عموماً فضای باز و یا باغ و بستان را برای شکوفایی ذوق و قریحه خود انتخاب می‌کنند، گاه بهترین مکان برای این امر حمام بوده است. علت این امر نیز در آن است که شاعر باید هنگام سرودن شعر در حالت نشاط و آرامش خاطر و به دور از دل‌مشغولی‌های روز باشد و در این راستا حمام و محیط آن می‌توانست چنین زمینه مساعدی را برای او فراهم سازد. احتمالاً، انعکاس طنین‌انداز صدای شاعر در حمام نیز می‌توانست خود مشوق دیگری در انتخاب این مکان برای سرودن شعر

باشد. نوشته ابن خلدون بر این امر از یکسو و نیز رواج آن در تاریخ ایران سده‌های میانه از دیگر سو صحه می‌گذارد، چنان‌که می‌آورد:

گفته‌اند بهترین اوقات برای سرودن شعر سحرگاهان... در هوای حمام است». وی در ادامه به علت این امر نیز این‌گونه اشاره دارد که «آن آن‌که به گرمابه می‌روند... حرارت و هوا به روح آنان پیوندد و در نتیجه روح آنان گرمی پذیرد شادی و فرح به آنان روی می‌دهد چه بسا که در بسیاری از این‌گونه کس آن‌که از شدت شادی حالت وجد و سرود خوانی پدید می‌آید»^{۱۶} (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱۳۷۸/۲).

نمونه‌های متعدد تاریخی بر این کارکرد حمام دلالت دارد؛ به عنوان نمونه، ثعالبی در شرح حال فردی گمنام و به بیان او اشاره دارد که وی دیوان شعر «ابی تمام» را در حمام می‌خوانده است (ثعالبی، ۱۴۲۰: ۴/۳۰۰) و یا عماد اصفهانی از قول فردی آورده است که «شاگرد فقیه ما در نزد حمامی در حالی که او را چرک می‌کرد، اشعاری را می‌خواند» (اصفهانی، ۱۳۷۵: ۱۲/۲۲۹). وی همچنین در جای دیگر نقل قول فرد دیگری را ذکر می‌کند که وقتی به حمام می‌رفت، عمویش، ابویعلی نام، اشعار شادی را در ازدواج او قرائت می‌کرد (همان: ۱۲/۶۲). در همین راستا، نواختن آلات موسیقی در حمام نیز امر مرسوم بوده است، چنان‌که ابوحیان توحیدی از غلامی نام می‌برد که در حمام طنبور می‌نواخته است^{۱۷} (توحیدی، ۱۴۱۹: ۴/۱۳۹).

تعلیم و تربیت و در رأس آن شاهنامه‌خوانی در حمام سده‌های میانه تاریخ ایران ظاهراً امری متداول بوده که خود از اهمیت و جایگاه اجتماعی این بنای ایرانی-اسلامی در بُعد علمی-فرهنگی حکایت دارد.^{۱۸} وجود جمعیت بسیار در حمام و فضای انعکاسی آن-در کنار آرامش و نشاط حضار- موجب می‌گردید تا قرائت و نیز آموزش کتبی چون شاهنامه ظاهراً مرسوم باشد.^{۱۹} بدین ترتیب، کار آموزش به بی‌سوادان و علاقه‌مندان به علم و دانش صورت می‌پذیرفت. مرعشی به نمونه‌ای برجسته از آموزش شاهنامه در حمام اشاره دارد. وی به نقل از کتب تاریخی می‌نویسد که ملک فخرالدوله حسن باوندی، آخرین فرمانروای آل‌باوند، به کیاعلی و برادرش کیامحمد که اتفاقاً هر دو «جوان و خوش‌آواز» بودند، در حمام شاهنامه تعلیم می‌داد. متأسفانه، قتل وی^{۲۰} نیز در حمام به هنگام آموزش شاهنامه به شاهزادگان مذکور و به دست آنان رقم خورد:

روزی فخرالدوله به حمام رفت ولی باز هم حتی در حمام شاهنامه و تعلیم خواندن شاهنامه را از دست نهاد آن دو را تا حمام برد و شاهنامه پیش آن‌ها نهاد و خنجر خود

را کشیده بر سطر شاهنامه نهاد و ایشان را بیت بیت و مصرع مصرع تعلیم می داد. یکی از آن‌ها خنجر را برداشت و بر سینه ملک زد و ملک را به قتل رسانید (۷۵۰ق)^{۲۱} (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۱).

همچنین، کارکرد علمی - فرهنگی حمام را در سده‌های میانه می توان در دیوان‌نوشته‌ها و تصاویر آن نیز مشاهده کرد. در این راستا، ابیاتی پرمفهوم از شاعران بر روی کتیبه‌ای نوشته می شد و آن گاه بر دیوار حمام نصب می گردید. واصفی در ذیل حکایتی از دوره سلطان محمود غزنوی و ماجرای سوء قصد به جان او در حمام، به عبارت «اشترا کج گردنا دانم چه خواهی کردنا» اشاره دارد که اتفاقاً قرائت بلند آن توسط سلطان غزنوی موجب خوف سرتراش^{۲۲} و در نتیجه نجات جان او گردید^{۲۳} (واصفی، ۱۳۴۹: ۲/۳۲۷-۳۲۸). علاوه بر این، گرمابه‌ها - به رغم تحریم صورتگری از سوی برخی فقها - آراسته به تصاویر متنوع با مضامین انسانی، طبیعی و اسطوره‌ای - و در رأس آن شاهنامه - می شدند که خود بر کارکرد علمی - فرهنگی آن دلالت دارد. گزارش‌های تاریخی و نیز آثاری از نقاشی‌های دیواری برجای مانده از حمام‌های تاریخی ایران بر این امر صحه می گذارد (کریمیان، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

۴.۳ کارکرد درمانی

کارکرد درمانی یکی دیگر از کارکردهای اجتماعی حمام در سده‌های میانه تاریخ ایران بود.^{۲۴} حمام‌های قدیم معمولاً دارای خزینه و حوض‌های متعدد از آب بسیار گرم تا ملایم و سرد و چندین صحن و صفة بزرگ و کوچک با حرارت و گرمی متفاوت بودند که خود می توانست مورد استفاده اشخاص بیمار باشد؛ به عنوان مثال، مناسب‌ترین مکان برای رگ‌زدن و حجامت، که نوعی طب سنتی محسوب می شد، از دیرباز حمام بوده است. این کار معمولاً توسط دلاک‌ها صورت می پذیرفت که در کارهای دیگری چون تراشیدن سر مردم خبره بودند و البته می بایست شرایط و ویژگی‌هایی را در این شغل ملحوظ می داشتند. علاوه بر این، حمام‌ها در همین راستا گاهی اوقات به عنوان محل کار پزشکان و برای مداوای بیماران نیز مورد استفاده قرار می گرفت^{۲۵} (Floor, 1988: 863)؛ راوندی، ۱۳۷۸: ۵/۴۶۹).

حکایتی نغز از نظامی عروضی پیرامون بیماری شدید امیر منصور بن نوح سامانی (۳۵۰-۳۶۶ق) و درمان او توسط طبیب مشهور ایرانی، محمد بن زکریای رازی، از کارکرد

درمانی حمام (و در عین حال انعکاسی از نبوغ و استعداد ایرانیان مسلمان در عرصه‌های علمی) پرده برمی‌دارد. گویا، امیر مذکور به بیماری نادری مبتلا گردید که بر اثر آن قادر به حرکت نبود.^{۳۶} پس از آن‌که پزشکان دربار سامانی از معالجه او درماندند، رازی را به بخارا آوردند و او به واسطه حمام به معالجه امیر پرداخت. این پزشک شهیر ایرانی امیر را به گرمابه برد و اجازه هم نداد تا کسی وارد حمام شود. آن‌گاه سلطان سامانی را در خزینه‌ای از آب ملایم فروبرد و سپس به او شربتی خوراند تا بدین ترتیب رسوباتی که در مفاصل او جمع شده بود، اندک‌اندک حل شود. وی آن‌گاه لباس خود را پوشید و شروع به دشنام‌دادن به امیر بیمار سامانی کرد و حتی او را به علت بستن دست و پایش،^{۳۷} به مرگ تهدید کرد. لذا، امیر منصور از ترس جان و همچنین از روی خشم تا سر زانو بلند شد. رازی او را بیشتر تحریک کرد و همین امر سبب گردید که امیر بیشتر خشمگین شود و کاملاً از جای خود برخیزد و بدین ترتیب معالجه شود (نظامی عروضی، ۱۳۸۰: ۸۶-۸۷).

گاهی از حمام برای کاستن از دردها نیز استفاده می‌شده است که در حقیقت نقش چشمه‌های آب گرم را ایفا می‌کرد، چنان‌که بیتی از فردوسی، که خود مربوط به قرن پنجم هجری است، بر این کارکرد درمانی حمام دلالت دارد:

به گرمابه شد با تن رنجمند ز زنجیر فرسوده و مستمند

(فردوسی، ۱۳۸۳: ۵۰۰)

۵.۳ حمام معیار تشخیص اجتماعی

حمام‌ها در تاریخ اجتماعی ایران خود معیاری برای تشخیص اجتماعی بوده است. در درجه نخست آن‌که ظاهراً گویا استفاده از آن برای طبقات پایین جامعه، از جمله کشاورزان و پیشه‌وران خرده‌پا و دامداران، امر شناخته‌شده‌ای نبود. به همین علت، بیشتر بیماری‌های عفونی و در نتیجه مرگ‌ومیرها - به‌ویژه در کودکان - در میان مردمان این طبقه اتفاق می‌افتاد؛ علاوه بر این، به‌نظر می‌رسد در خود حمام‌ها نیز میان طبقات پایین و طبقات بالای جامعه تمایز بوده و افراد بر اساس موقعیت اجتماعی‌شان در قسمت‌های مختلف آن جای می‌گرفتند (Floor, 1988: 864)، چنان‌که عنصرالمعالی و یا نظامی عروضی از «میانگین» حمام یاد می‌کنند که به معنای وسط و میانه حمام بوده و ظاهراً به طبقات بالا اختصاص داشته است (عنصرالمعالی، ۱۳۸۳: ۸۵، ۳۲۵؛ نظامی عروضی، ۱۳۸۰: ۱۱۶).

حکایت مشهور ناصر خسرو در ماجرای حمام رفتن او و برادرش در شهر بصره، نمونه برجسته‌ای از این کارکرد اجتماعی حمام در تاریخ سده‌های میانه اسلامی ایران - به‌ویژه قرن پنجم هجری - ارائه می‌دهد،^{۲۸} چنان‌که خود وی تصریح می‌دارد مندرس بودن لباس آنان موجب گردید تا گرمابه‌بان مانع از ورودشان به گرمابه شود؛ به‌خصوص آن‌که احتمالاً تصور می‌کرد که آنان ممکن است بخواهند برای خوابیدن نیز در حمام بمانند.^{۲۹} گزارش وی از این حکایت شنیدنی است:

سه ماه بود که موی سر باز نکرده بودیم و می‌خواستیم که در گرمابه روم باشد که گرم شوم که هوا سرد بود و جامه نبود و من و برادرم هر یک لنگی کهنه پوشیده بودیم... گفتم اکنون ما را که در حمام گذارد؟ خورجینکی بود که کتاب در آن می‌نهادم، بفروختم و از بهای آن درمکی چند، سیاه، در کاغذ کردم که به گرمابه‌بان دهم تا باشد که ما را دمکی زیادت‌تر در گرمابه بگذارد که شوخ از خود بازکنیم. چون آن درمک‌ها پیش او نهادم در ما نگرست؛ پنداشت که ما دیوانه‌ایم. گفت: «بروید که هم‌اکنون مردم از گرمابه بیرون می‌آیند» و نگذاشت که ما به گرمابه دررویم. از آن‌جا با خجالت بیرون آمدیم و به شتاب برفتیم^{۳۰} (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۱۵۴-۱۵۵).

البته، ناصر خسرو، در ادامه، به بهبود شرایط اقتصادی و پوششی خود به لطف وزیر ملک اهواز - ابوالفتح علی بن احمد - و تفاوت در نوع برخوردها را توسط حمامی و کارگران حمام مذکور - پس از تغییر وضعیت - به تصویر می‌کشد که خود بر جایگاه حمام به عنوان یکی از معیارهای تشخیص و منزلت اجتماعی در این دوره مهر تأیید می‌زند:

بعد از آن که حال دنیای ما نیک شده بود و هریک لباسی پوشیدیم، روزی به در آن گرمابه شدیم که ما را در آن‌جا نگذاشتند. چون از در رفتیم، گرمابه‌بان و هر که آن‌جا بودند، همه برپای خاستند و بایستادند چندان که ما در حمام شدیم، و دلاک و قیّم درآمدند و خدمت کردند و به وقتی که بیرون آمدیم هر که در مسلخ گرمابه بود، همه برپای خاسته بودند و نمی‌نشستند، تا ما جامه پوشیدیم و بیرون آمدیم. و در آن میانه [شنیدم] حمامی به یاری از آن خود می‌گوید: «این جوانان آنان‌اند که فلان روز ما ایشان را در حمام نگذاشتیم» و گمان بردند که ما زبان ایشان ندانیم؛ من به زبان تازی گفتم که: «راست می‌گویی، ما [آنا] نیم که پلاس پاره‌ها بر پشت بسته بودیم». آن مرد خجل شد و عذرها خواست (همان: ۱۵۷-۱۵۸).

علاوه بر این، حمام‌ها خود به عنوان معیاری در جهت تکریم به دیگران - به‌ویژه میهمانان - مورد استفاده بوده‌اند، چنان‌که منابع تاریخی یکی از مؤلفه‌های احترام‌نهادن به

میهمان را بردن او به حمام و بر تن پوشاندن لباس نو می‌شمارند؛ به عنوان مثال، تنوخی در مدح فردی و به بیان مهمان او آورده است که «پس ما را وارد حمام خانه با کمال میل به همراه دو نوجوان خوش‌سیما ساخت. این دو به جای حمامی به ما خدمت می‌کردند» (تنوخی، ۱۳۹۱: ۲/۱۷۳). منابع تاریخی این دوره به نمونه‌های متعدد دیگری در این خصوص اشاره دارند (← همان: ۵/۵۴؛ بیهقی، ۱۴۲۰: ۱۳۶؛ عوفی، ۱۳۸۶: ۴/۶۶۴).

۶.۳ حمام به مثابه پناهگاه

حمام، با توجه به موقعیت جغرافیایی و نیز وضعیت فیزیکی،^{۳۱} گاهی در نقش پناهگاهی برای گریختگان از حوادث مختلف اجتماعی و یا حتی سیاسی خودنمایی کرده‌است که منابع تاریخی بدان اشاره دارند. عوفی به حکایتی از عصر آل‌بویه اشاره دارد که گرمابه به عنوان پناهگاه یا مخفیگاهی برای حفظ جان و از دست اشرار و اوباش قرارگرفت و البته موجب نجات جان فرد نیز گردید (همان: ۴/۶۰۹-۶۱۲). تنوخی از قرن پنجم هجری و به حکایت فردی اشاره دارد که از دست اراذل و اوباش به تون یا گرمخانه حمام پناه برد و تا صبح در آن‌جا ماند. نکتهٔ عجیب آن‌که وی در همان حال مردی را دید که کنیز خود را داخل تون کرد و به قتل رساند (تنوخی، ۱۳۹۱: ۵/۱۴۰).

خلیفه القاهر عباسی (۳۲۰-۳۲۲ق) پس از آن‌که امرای ترک علیه او به شورش برخاستند، بر بالای حمام کاخ - بخش زنان - گریخت و درصدد دفاع ناموفق از خود برآمد (ابن‌مسکویه، ۱۳۷۶: ۵/۳۸۶-۳۸۷). همچنین، بجکم خمار تکینی، که از سوی سامانیان تحریک شده بود، پس از شکست از سپاه معزالدوله دیلمی در کرمانشاه، به حمام پناه برد که البته دستگیر گردید (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۴/۱۸). در حادثهٔ اترار و قتل بازرگانان مغولی نیز آن یک نفر گریخته از چنگ غایرخان، ظاهراً با پناه‌گرفتن در حمام توانست جان خود را نجات دهد و خود را به مغولستان برساند (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۱/۳۱۱). ضمناً، عماد اصفهانی روایت می‌کند که ناصرالدوله مظفربن‌حماد، مالک بطیحه،^{۳۲} از ترس شورشیانی که درصدد تصاحب خانهٔ او بودند، به حمام پناه برد (اصفهانی، ۱۳۷۵: ۶/۵۳۰).

همچنین، حمام‌ها در این راستا گاهی می‌توانست در تغییر چهره و در نتیجه فرار و نجات جان افراد ظاهر شده و آنان را از مرگ حتمی نجات دهد. در یک نمونه برجسته، می‌توان به نجات جان احمدبن‌سهل - یکی از بزرگترین سالاران دولت سامانی - اشاره کرد. وی برای رهایی از زندان صفاریان دست به ابتکار جالبی زد که در *الکامل فی‌التاریخ* به‌خوبی

انعکاس یافته و خود از کارکرد حمام در این خصوص حکایت دارد: «درخواست استحمام کرد و نوره و زرنیخ خواست. چون خواسته را به او دادند، او به سر و ریش خود مالید و موی سر و ریش وی ریخت» و بدین ترتیب گریخت (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۹ / ۱۶۲). همچنین، سلطان محمود قراخانی - خواهرزاده و جانشین سلطان سنجر سلجوقی - جهت رهایی از دست غزان که به نیشابور یورش آورده بودند، رفتن به گرمابه را بهانه کرد و بدین ترتیب از جنگ آنان فرار کرد (۵۵۶ق) (همو، ۱۳۷۱: ۲۱ / ۹۹-۱۰۰).^{۳۳}

۷.۳ وسیله سرشماری، محل عبادت و مرگ

علاوه بر کارکردهای اجتماعی گفته شده برای حمام در قرون میانه تاریخ ایران اسلامی، نقش‌های اجتماعی دیگری از این بناها در اجتماع این دوره ثبت گردیده است که البته منابع تاریخی گذرا بدان اشاره داشته‌اند. نخست، بایستی از آن به عنوان وسیله سرشماری یاد کرد. برخلاف امروزه که برای سرشماری و آگاهی از جمعیت تقریبی یک شهر یا روستا مراجعه به خانه‌ها یک امر معمول به‌شمار می‌رود، در گذشته، یکی از وسایل عمده جهت تخمین جمعیت، حمام بود. مردم یک شهر یا روستا غالباً فاقد حمام خصوصی بودند و به همین علت پیوسته به حمام عمومی مراجعه می‌کردند. لذا، این نوع حمام‌ها می‌توانستند بهترین مکان برای سرشماری و دانستن جمعیت تقریبی یک شهر و یا روستا باشند. در این راستا، مأموران سرشماری تعداد افرادی را که وارد حمام می‌شدند شمارش می‌کردند و از این طریق مجموع جمعیت شهر یا روستا را تقریبی به‌دست می‌آوردند (صابی، ۱۳۴۶: ۲۰؛ فقیهی، ۱۳۵۸: ۷۵۸).

کارکرد عبادی نوع دیگری از کارکرد اجتماعی مسجد را در این مقطع از تاریخ ایران به نمایش می‌گذارد. اساساً، از حمام به عنوان عاملی در جهت زدودن رنج و نفاق از روح و قلب یاد شده است (شریف مرتضی، ۱۹۹۸: ۱ / ۱۹۶) لذا، بی‌علت نیست که ابن جوزی از عابدی یاد می‌کند که در حمام قسم خورد تا عبادت خداوند را بسیار به‌جای آورد. البته، عبادت او ظاهراً به حدی طولانی شد که خود موجب بیماری‌اش گردید (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۰۴).

همچنین، حمام گاهی ناخواسته محل مرگ اشخاص نیز بوده است که خود می‌تواند بیانگر نوع دیگری از کارکرد اجتماعی آن باشد؛ به عنوان مثال، مرگ الحاکم نیشابوری، دانشمند معروف قرن سوم و چهارم هجری، در حمامی در نیشابور و بر اثر سکنه اتفاق افتاد

(نیشابوری، ۱۳۷۵: ۳۲) و یا ابوبکر طواویسی، از فقهای مشهور به سال ۳۲۴ق، در حمامی در سمرقند دارفانی را وداع گفت (سمعانی، ۱۳۸۲: ۹/۹۲)؛ همچنین، نومردی از فقهای شافعی به هنگام خروج از حمام، دیوار بر سرش فروریخت و کشته شد (۳۲۹ق) (همان: ۱۳/۲۱۲).

۴. نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی در تحولات اجتماعی ایران سده‌های میانه اسلامی بیانگر اهمیت، جایگاه و نقش انکارناپذیر حمام است. حمام‌ها به لحاظ اجتماعی محل مذاکرات و گفت‌وگو، اطلاع‌رسانی عمومی، تعاملات علمی و فرهنگی، محل تفریح و تفرّج، محل عبادت، محل تشریک مساعی و حل مشکلات جامعه، محل سرشماری عمومی، معیار تشخیص اجتماعی، محل درمان بیماری‌ها و... بود. لذا، با تفوق کارکرد اجتماعی حمام بر کارکرد ذاتی آن یعنی نظافت و تطهیر، بر وزن و اعتبار آن در جامعه قرون میانه اسلامی ایران دوچندان افزوده شد. در این میان، مختصات جغرافیایی و معماری و نیز در پرتو تحولات سیاسی - مذهبی روز، موجب گردید تا حمام یکی از کانون‌های اصلی نقش‌آفرینی اجتماع محسوب و عملاً به عنوان بخشی انکارناپذیر از زندگی مردم، در نقش یک نهاد اثرگذار بر تحولات اجتماعی این دوره ظاهر گردد.

پی‌نوشت

۱. برخی از متون ادبی و اندیشه‌ای در مدح و نیز در ذمّ حمام و یا در ذیل حکایات تاریخی مطالب ارزشمندی ارائه داده‌اند (← ثعالبی، ۱۳۸۵: ۶۷-۶۸؛ فردوسی، ۱۳۸۳: ۵۰۰؛ ابن‌اخوه، ۱۳۶۵: ۱۶۰-۱۶۱).

۲. این تأثیرگذاری حتی در زمینه باورهای عمومی نیز قابل تعقیب است؛ به عنوان مثال، افسانه‌های فراوانی در اذهان عمومی این دوره شکل گرفت که از حضور جنیان در حمام حکایت می‌کرد. فضای پیچ‌درپیچ حمام، وجود آتش در زیر آن و قراردادن خزینه‌های زندان‌وار موجب می‌گردید تا عوام‌الناس چنین تصوّر کنند که حمام ساخته جنیان و ارواح و جولانگاه آنان است. لذا، برای راندن این موجودات خیالی، باورهای خرافی ویژه‌ای داشتند؛ مثلاً، افرادی را برای حفاظت از جان خود به حمام می‌بردند و یا در سردر و درون گرمابه‌ها تصویر شیطان زشت‌رو را نقش می‌کردند. گاهی نیز حکمرانان از امرای نظامی و فرماندهان لشکری برای بیرون‌راندن جنیان کمک می‌گرفتند. به احتمال، وجود دیدگاه انتقادی و «خانه شیطان» دانستن حمام، در ایجاد

امامعلی شعبانی و سعیده جبارہ ۱۰۳

- چنین نگرشی در فرهنگ عمومی جامعه بی تأثیر نبوده است (← غزالی، ۱۳۶۸: ۱۵۴؛ ثعالبی، ۱۳۸۵: ۶۸؛ کریمیان، ۱۳۸۲: ۱۰۳؛ سجادی، ۱۳۸۲: ۹۰-۹۱).
۳. تاریخ‌نگاری ایرانی به‌رغم تعدد و تنوع، متأسفانه، به علت نپرداختن جدی به مباحث اجتماعی، مورد نقد جدی است که البته در نوشتار حاضر به عنوان یکی از مشکلات جدی پژوهش مطرح بوده است (← اسکات میثمی، جولی (۱۳۹۱). *تاریخ‌نگاری فارسی (سامانیان، غزنویان، سلجوقیان)*، تهران: ماهی).
۴. سده‌های میانه تاریخ ایران را می‌بایست در حقیقت باشکوه‌ترین و طلایی‌ترین دوره هنر معماری ایران به‌شمار آورد. منابع تاریخی، جستارهای باستان‌شناسی، توصیف‌های تک‌نگارانه، گزارش سیاحان و... بر این نکته مهر تأیید می‌زند (← اتینگهاوزن و گرابار ۱۳۷۸: ۳۷۵؛ کیانی، ۱۳۸۵: ۱).
۵. گفتنی است که حمام‌های عمومی را غالباً افراد خیر و به عنوان وقف می‌ساختند که البته در این دوره خود امر متعارفی محسوب می‌شده است، چنان‌که به نوشته تاریخ بخارا، بزرگترین گرمابه بخارا وقف مدرسه فقهای این شهر بود (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۲) و یا وقف‌نامه ربع رشیدی به نمونه‌ای از وقف حمام «بر مصالح اصول» و «بقاع» اشاره دارد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۶: ۴۳).
۶. اهمیت و جایگاه اجتماعی - سیاسی حمام و در نتیجه لزوم نظارت حکومت بر آن، موجب گردید که حتی به روایت حموی، ساخت گرمابه در بعضی از شهرها منوط به کسب اجازه از حاکم و موافقت او باشد (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۱/۵۸۸).
۷. این اهمیت زمانی آشکار می‌شود که حمام‌رفتن مردم در گذشته‌های دور با فاصله یک هفته، پانزده روز، یک ماه، دو ماه و حتی چند ماه طول می‌کشید (← روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۵۵).
۸. حتی، اساساً، برخی از حمام‌ها در دروازه شهرها احداث می‌شد تا مورد استفاده کاروانیان قرارگیرد (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۴۷).
۹. حمام در کارکرد اقتصادی خود نیز محل مذاکرات و معاملات تجاری بین بازرگانان بوده است. نظافت و استراحت بازرگانان مسافر در حمام، بهانه خوبی برای ملاقات و نیز انجام مذاکرات و معاملات تجاری بود. علاوه بر این، خود حمام نیز با شغل‌های گوناگون و متنوع مرتبط با آن، یکی از کانون‌های شغلی شهر و روستا محسوب می‌شد. منابع از خرید و فروش اجناس در آن - به‌ویژه مرتبط با استحمام - به ما خبر می‌دهند (برای نمونه‌ها ← ابن‌جوزی، ۱۹۹۰: ۱۵۵؛ اصفهانی، ۱۳۷۵: ۱۲/۳۹۷).
۱۰. در توجیه این نکته نیز بایستی خاطرنشان ساخت که معمولاً مردها صبح خیلی زود یا شب به حمام می‌رفتند، حال آن‌که زن‌ها در طول روز و ضمناً فرصت خودنمایی و خودآرایی بیشتری داشتند (← Floor, 1988: 866).
۱۱. بیراه نخواهد بود اگر گفته شود که حمام در بُعد منفی اجتماعی گاهی به عنوان محل فساد و

۱۰۴ حمام و کارکردهای اجتماعی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران

افعال غیراخلاقی در این دوره مورد استفاده بوده است. *سندبادنامه* به حکایتی از شاهزاده قنوج و به فعل ناشایست او در حمام اشاره دارد که با همدستی گرمابه‌بان صورت پذیرفت (ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۲۸) و یا تنوخی به نمونه دیگری از رذایل اخلاقی صورت گرفته در آن اشاره دارد (← تنوخی، ۱۳۹۱: ۲/۱۷۳).

۱۲. احتمالاً، تأکید بخشی از پیشوایان دینی مبنی بر مضرات توقف طولانی در حمام و نیز خوردن و استراحت در آن احتمالاً با این مسئله بی‌ارتباط نباشد (← غزالی، ۱۳۶۸: ۱۵۴).

۱۳. رخت‌کن

۱۴. حدود چمن سلطانیه

۱۵. این اهمیت و جایگاه حتی در عرصه اندیشه نیز هویداست، چنان‌که ثعالی به نقل از بزرگان و در مدح حمام، چنین آورده است که: «حمام خانه‌ای است که حکماء آن را بنا نهاده‌اند و نسبت آن به حکمت است؛ اگر چه قرین آتش است» (ثعالی، ۱۳۸۵: ۶۷) و یا در جای دیگر از قول ادیبی می‌نویسد: «من از دانشی که در همه‌جا، حتی در حمام همراه من نباشد بیزار و گریزانم» که خود از پیوند بین حمام و علم حکایت دارد (همان: ۲۹۵).

۱۶. لذا، بی‌علت نیست که حمام در ادبیات ایرانی و در مفهوم اصلی و یا در قالب کنایه و استعاره بخشی را به خود اختصاص داده است (← روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۶۵-۶۷).

۱۷. لذا، شاید بی‌علت نیست که حمام با هنر موسیقی به‌شدت پیوند خورده است. متخصصان حوزه تاریخ موسیقی انواع مختلفی برای موسیقی حمام از جمله موسیقی راه حمام، موسیقی مربوط به خود حمام، موسیقی و بازی در حمام، موسیقی بیرون حمام و در ارتباط با آیین‌هایی چون اعیاد و عروسی، توبه و استغفار، تشرّف، سور، آشتی، عافیت، زایمان و... در طول تاریخ ایران نام می‌برند (جاوید، ۱۳۸۲: ۴۴-۴۷).

۱۸. حکایت مذکور بیانگر این واقعیت است که تعلیم و تربیت در تاریخ ایران و اسلام به گونه‌ای حایز اهمیت بوده که حتی از موقعیت حمام و استحمام نیز برای فراگیری علم صرف‌نظر نمی‌شده است.

۱۹. اگرچه *شاهنامه* خوانی و آموزش آن غالباً در قهوه‌خانه‌ها متمرکز بوده، حمام‌ها نیز گاهی چنین نقشی را در جامعه آن روز ایفا می‌کردند.

۲۰. در علت قتل فخرالدوله شیعی مذهب، بازگشت وی به سوی هم‌پیمانان سابق خود یعنی کیابیان جلالی و پشت کردن به کیابیان چلاوی سنی مذهب و در رأس آنان کیاافراسیاب چلاوی - پدر قاتل - ذکر گردید. افراسیاب پس از اخذ فتوای قتل از علمای آمل و به اتهام زنا با خواهرزاده‌اش، نقشه قتل او را در حمام به اجرا درآورد (← مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۰-۱۲۱؛ آملی، ۱۳۴۸: ۲۰۱).

۲۱. نکته ظریف این‌جاست که مرعشی در ادامه گزارش خود مدعی می‌شود که شاهنامه به خون آغشته مذکور را در اختیار داشته است (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۹۲).

۲۲. یکی از کارکردهای ظاهراً ذاتی حمام، تراشیدن موهای سر بوده است، چنان‌که سمعانی از عالمی به نام قوهیاری (کوهیاری) (مرگ ۳۳۲ق) یاد می‌کند که در حمام آرایشگری سر او را می‌تراشید و در همان هنگام تیغ سرش را زخمی ساخت (سمعانی، ۱۳۸۲: ۵۱۷/۱۰).
۲۳. شعر مذکور به عبدالواسع جبلی، شاعر معروف قرن ششم هجری، نسبت داده شده است. اگر صرفاً وی صاحب چنین شعری باشد، در آن صورت می‌بایست در خصوص سلطان مورد اشاره به تردید جدی پرداخت، مگر آن‌که شاعری از اوایل قرن پنجم هجری و یا اساساً قرن چهارم هجری نیز چنین شعری سروده باشد. البته، بایستی متذکر شد که حتی اگر بر فرض، مرجع چنین شعری هم پیدا نشود؛ خللی به بحث اصلی ما یعنی کارکردهای فرهنگی حمام وارد نخواهد کرد (← واصفی، ۱۳۴۹: ۲/۳۲۷-۳۲۸؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۷۴۰).
۲۴. پیش از ورود به این بحث، ضروری است گفته‌شود حتی یکی از وظایف مورد تأکید محتسب، نظارت بر بهداشت حمام و ممانعت از ورود بیماران مسری بدان‌جا بوده است که خود می‌تواند بر نقش درمانی حمام تأکید داشته باشد (ابن‌اخوه، ۱۳۶۵: ۱۶۲).
۲۵. چنان‌چه پیش‌تر و در بحث حمام به عنوان کانون اطلاع‌رسانی عمومی اشاره گردید، حمام‌ها محل تبادلات آگاهی‌های پزشکی مردم از جمله انواع بیماری‌ها نیز محسوب می‌گردید که خود از کارکرد درمانی آن حکایت دارد.
۲۶. متأسفانه، هیچ منبعی به نام این بیماری کمیاب اشاره نداشته است. لذا، به‌ناچار، به پزشکان متخصص این حوزه مراجعه گردید. آنان نیز غالباً معتقد بودند فلج عضلات یا رعشه عصبی که با عنوان «داء الفی» در پزشکی اسلامی شناخته می‌شود، می‌تواند علت بیماری امیر سامانی باشد. در خصوص نوع معالجه رازی نیز بر این باور بودند که به بیان امروزی همان عمل «فیزیوتراپی» بر امیر سامانی صورت پذیرفته است.
۲۷. ظاهراً، رازی در مسیر بخارا تا جیحون می‌آید و پس از آن از ترس غرق‌شدن، از نشستن در کشتی خودداری کرده و به جای خود کتاب طب منصوریه را به نزد امیر سامانی می‌فرستد و چنین پیغام می‌دهد که «من این کتابم». این اقدام موجب خشم امیر و در نتیجه دستور او مبنی بر بستن دست و پای رازی گردید. بدین ترتیب، وی را در کشتی نشاندهند و به بخارا آوردند (نظامی عروضی، ۱۳۸۰: ۱۱۵).
۲۸. جالب این‌جاست گفته‌شود که حکیم ناصر خسرو خود یکی از فعالان نهضت حمام‌سازی در قرون میانه اسلامی بوده است، چنان‌که قزوینی به حمای باعظمت در یمکان - زادگاه ناصر خسرو - اشاره دارد که دانشمند مذکور بنا کرد و وقف عموم گردید. جالب این‌جاست که حمام مذکور تا زمان وی - یعنی اواخر قرن هفتم هجری - همچنان پابرجا بود (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۶۶-۵۶۷).

۱۰۶ حمام و کارکردهای اجتماعی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران

۲۹. این امر می‌تواند بر کارکرد اجتماعی دیگر حمام مبنی بر محل اسکان برای بی‌سپرپناهان و یا مسافران دلالت داشته باشد.

۳۰. ناصر خسرو در ادامه این ماجرا می‌نویسد که کودکانی که در جلوی گرمابه‌بازی می‌کردند، به سمت آنان سنگ پرتاب می‌کردند و فریاد می‌زدند (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۱۵۵). این نکته خود بیانگر این واقعیت است که حمام‌ها غالباً در مناطق کانونی شهرها بنا می‌شدند و علاوه بر این خود به موقعیت آن منطقه وزن و اعتبار می‌بخشیدند. این مسئله بر نقش و جایگاه ممتاز حمام در تحولات اجتماعی سده‌های میانه تاریخ ایران تأکید دارد.

۳۱. حمام‌های ایرانی با توجه به کارکردهای بسیار آن در جامعه، همواره در کنار مسجد، یکی از مستحکم‌ترین بنای معماری بوده است که امروزه بقایای بسیاری از آنان مؤید این امر است. از سوی دیگر، لزوم گرم‌ماندن آن موجب می‌گردید تا نوعی معماری درون‌گرایانه با کمترین منافذ و پنجره‌ها در آن به‌کار رود. این نوع رویکرد معماری حتی در مناطق سرد ایران شدت بیشتری می‌یافت، چنان‌که گاهی حمام‌ها نه در سطح که در عمق زمین احداث می‌شده و عموماً چند پله از سطح زمین پایین‌تر بوده‌اند. علاوه بر این، ضرورت‌های آب‌رسانی از چشمه‌ها و قنات نیز در این مسئله تأثیرگذار بوده است (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۲۸).

۳۲. بطیحه قسمت سفلائی دجله و فرات که از واسط و کوفه در شمال تا بصره در جنوب گستره است.

۳۳. البته، گاهی حمام در نقش متضاد آن ظاهر شده و به عنوان مکانی مناسب برای به‌دام‌انداختن مظنونین و مخالفان مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، چنان‌که در یک نمونه منحصربه‌فرد، تاریخ بیهقی اشاره دارد که هنگامی که خواجه نظام‌الملک برای دیدار با وزیر احمد عبدالصمد به غزنین رفته بود، به هنگام خروج از گرمابه مورد شناسایی شخص سوری‌بن معتر، حاکم غزنوی خراسان، قرار گرفت و دستگیر گردید (ابن‌فندق، ۱۳۶۱: ۸۰).

منابع

- آملی، اولیاءالله (۱۳۴۸). *تاریخ رویان*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۳۶۸). *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه علی هاشمی حائری، ج ۱۶، تهران: علمی.
- ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱). *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، ج ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱، تهران: علمی.
- ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۳۸۲). *تاریخ کامل*، ترجمه حمیدرضا آژیر، ج ۱۱، تهران: اساطیر.
- ابن‌اخوه، محمدبن محمد (۱۳۶۵). *معالم‌القریه، آیین شهرداری*، ترجمه جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی.

امامعلی شعبانی و سعیده جباره ۱۰۷

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (۱۹۹۰م). *اخبارالظراف و المتماجنین*، تصحیح عبدالامیر میرمهنا، بیروت: دارالفکر اللبثانی.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (۱۴۲۲ق). *صیدالخطاظر*، تصحیح علی طنطاوی و ناجی طنطاوی، جده: دارالمناره للنشر و التوزیع.

ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۶۳). *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ابن فندق، علی بن زید (۱۳۶۱). *تاریخ بیهقی*، بی جا: فروغی.

اتینگهاوزن، ریچارد؛ و الگ گرابار (۱۳۷۸). *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.

اسکات میثمی، جولی (۱۳۹۱). *تاریخنگاری فارسی (سامانیان، غزنویان، سلجوقیان)*، ترجمه محمد دهقانی، تهران: ماهی.

اصفهان، عمادالدین (۱۳۷۵ق). *خریده القصر و جریده العصر*، تصحیح محمد بهجه الاثری و جمیل سعد، ج ۶ و ۱۲، بغداد: مطبوعات المجمع العلمی العراقی.

باخرزی، علی بن حسن (۱۴۱۴ق). *دمیه القصر و عصره اهل العصر*، ج ۱، تصحیح محمد التونجی، بیروت: دارالجلیل.

بیهقی، ابراهیم بن محمد (۱۴۲۰ق). *المحاسن و المساوی*، تصحیح عدنان علی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

تنوخی، ابوعلی محسن (۱۳۹۱ق). *نشوارالمحاضره و اخبارالمذاکره*، تصحیح عبود الشالچی، ج ۲، ۵ و ۷، بیروت.

توحیدی، ابوحنان (۱۴۱۹ق). *البصائر و الذخائر*، تصحیح و داد قاضی، ج ۴، بیروت: دار صادر.

ثعالبی، ابومنصور عبدالمکب بن محمد (۱۳۷۶). *ثمارةالقلوب فی المضاف و المنسوب*، مشهد: دانشگاه فردوسی.

ثعالبی، ابومنصور عبدالمکب بن محمد (۱۳۸۵). *تحسین و تقبیح*، ترجمه محمد بن ابی بکر ساوی، تهران: میراث مکتوب.

ثعالبی، ابومنصور عبدالمکب بن محمد (۱۴۲۰ق). *یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر*، تصحیح مفید محمد قمیحه، ج ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه.

جاوید، هوشنگ (۱۳۸۲). «موسیقی و حمام»، کتاب *ماه هنر*، ش ۵۷ و ۵۸.

جوزجانی، ابو عمر عثمان (۱۳۶۳). *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، ج ۱، تهران: دنیای کتاب.

جونینی، عطاملک (۱۳۸۵). *تاریخ جهانگشای*، تصحیح محمد قزوینی، ج ۱، تهران: دنیای کتاب.

حموی بغدادی، یاقوت (۱۳۸۳). *معجم البلدان*، ترجمه علینقی منزوی، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

درویل، گاسپار (۱۳۷۰). *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتمادی مقدم، تهران: شبانویز.

راوندی، مرتضی (۱۳۷۸). *تاریخ اجتماعی مردم ایران*، ج ۵، تهران: نگاه.

رشیدالدین فضل الله همدانی (۱۳۵۶). *وقفنامه رشیدی*، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی.

رشیدالدین فضل الله همدانی (۱۳۵۸). *تاریخ مبارک غازی*، تصحیح کارل یان، هر تفورد: ستفن اوستین.

۱۰۸ حمام و کارکردهای اجتماعی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران

- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۶). *حمام عمومی در جامعه و فرهنگ و ادب دیروز، تهران: اطلاعات.*
- سجادی، محمدعلی (۱۳۸۲). «حمام و استحمام در فرهنگ ایرانی»، *مجله مطالعات ایرانی*، ش ۱۴.
- سعدی شیرازی، شرف‌الدین مصلح‌بن‌عبدالله (۱۳۹۱). *گلستان*، تصحیح خلیل خطیب‌رهبر، تهران: صفی‌علیشاه.
- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم‌بن محمد (۱۳۸۲ق). *الانساب*، تحقیق عبدالرحمن‌بن‌یحیی معلمی، ج ۱، ۹، ۱۰ و ۱۳ حیدرآباد: دایرةالمعارف العثمانیه.
- صابی، ابوالحسن هلال‌بن‌محسن (۱۳۴۶). *رسوم دارالخلافه*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- طرائفی خوارزمی، قاسم‌بن‌حسین (۱۳۸۲). *بلایع‌الملح، نواهای نمکین*، ترجمه موفق‌بن‌طاهر خوارزمی، تصحیح مصطفی اولیایی، تهران: میراث مکتوب.
- ظهیری سمرقندی، محمدبن‌علی (۱۳۸۱). *سندبادنامه*، تصحیح محمدباقر کمال‌الدینی، تهران: میراث مکتوب.
- عنصرالمعالی، کیکاووس‌بن‌اسکندر (۱۳۸۳). *قابوس‌نامه*، تصحیح غلام‌حسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.
- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۸۶). *متن انتقادی جوامع‌الحکایات و لوازم‌الروایات*، تصحیح امیربانو مصفا و مظاهر مصفا، ج ۴، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- غزالی، محمد (۱۳۶۸). *کیمیای سعادت*، تهران: علمی و فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۳). *شاهنامه*، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- فقیهی، علی‌اصغر (۱۳۵۸). *آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان*، تهران: صبا.
- قیادیانی مروزی، ناصر خسرو (۱۳۸۱). *سفرنامه*، تهران: زوار.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). *آثار البلاد و اخبار العباد*، تهران: امیرکبیر.
- کریمیان سردشتی، نادر (۱۳۸۲). «نگارگری در حمام»، *کتاب ماه هنر*، ش ۵۷ و ۵۸.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۹). *معماری ایران دوره اسلامی*، تهران: سمت.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۵). *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*، تهران: سمت.
- محمدبن‌منور (۱۳۸۱). *اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابوسعید ابی‌الخیر*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.
- مرتضی [شریف]، علی‌بن‌الحسین (۱۹۹۸م). *امالی مرتضی*، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالفکر العربی.
- مرعشی، ظهیرالدین (۱۳۴۵). *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، تهران: شرق.
- مزدایور، کنایون (۱۳۷۵). «گرما به باستانی ایران»، *فصلنامه فرهنگ تاریخ*، ش ۱۹.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- ابن‌مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۶). *تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم*، ترجمه علینقی منزوی، ج ۵، تهران: توس.
- مظاهری، علی (۱۳۴۸). *زندگی مسلمانان در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه مرتضی راوندی، تهران: فرانکلین.

امامعلی شعبانی و سعیده جباره ۱۰۹

نرشخی، ابوبکر محمدین جعفر (۱۳۶۳). *تاریخ بخارا*، تهران: توس.
نظامی عروضی سمرقندی، احمدین عمر (۱۳۸۰). *چهارمقاله*، به تصحیح علامه محمد قزوینی، تهران: جامی.
نیشابوری، ابوعبدالله حاکم (۱۳۷۵). *تاریخ نیشابور*، تهران: آگه.
واصفی، زین‌الدین محمود (۱۳۴۹). *بلایع‌الوقایع*، ج ۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

Floor, W. (1988). "Bathhouses", *Encyclopaedia of Iranica*, Vol. 111, London and New York: Routledge and Kegan Paul.

